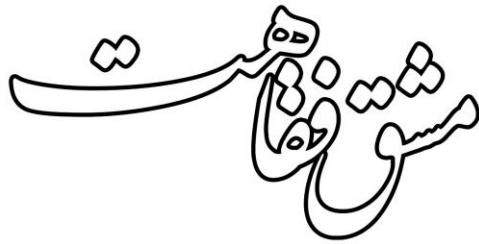


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال سوم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار (ع)

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مجتبی شیخی

مترجم (انگلیسی) و (عربی): مجتبی شیخی

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۱۵۰۰۰۰۰ ریال



The Scope of the *Wali's* Authority over the Property and Lives of the *Mawla 'Alayhim*: An Analysis of the Verse "The Prophet has More Authority over the Believers than They Themselves" from the Perspective of Muhaqqiq al-Isfahani

Seyyed Morteza Panjtanian¹

Abstract

According to the explicit text (*Nass*) of the noble verse, "The Prophet has more authority over the believers than they themselves," God the Almighty has established a form of *Wilayah* (authority/guardianship) for the Holy Prophet (Peace Be Upon Him), which, according to Shi'a belief, the Imams (Peace Be Upon Them) also possess. Nevertheless, elucidating the intent of this verse and the scope of their *Wilayah* has been a subject of disagreement among jurists (*Fuqaha*), and various possibilities regarding its implication (*Dalalah*) have been posited. Employing a descriptive-analytical methodology based on library research, this article examines the scope of the *Wali's* (guardian/ruler) *Wilayah* over the properties and lives of the *Mawla 'alayhim* (those under guardianship), focusing specifically on the viewpoint of Muhaqqiq al-Isfahani (may his soul be sanctified). The innovation of this research lies in the comparative analysis of the two possibilities proposed by him regarding the implication of the verse, alongside an examination of them based on reason (*'Aql*) and practical conduct (*Sirah*). The findings of the research demonstrate that the *Wilayah* of the *Wali* is contingent upon a conflict with the will of the *Mawla 'alayh*. Therefore, this verse does not indicate absolute authority (*Wilayah Mutlaqah*); rather, the precedence (*Awlawiyyah*) of the *Wali* is actualized only in cases of conflict (*Tazahum*) and necessity.

Keywords: *Wilayah* (Authority/Guardianship), *Wali* (Guardian/Ruler), *Mawla 'Alayhim* (Those Under Guardianship), Muhaqqiq al-Isfahani, *Hakim* (Ruler/Judge).

سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

1. Level 4 Seminary Scholar at the Jurisprudential Center of the Pure Imams (Peace Be Upon Them) (Panjtanian1393@gmail.com).



دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۴۰۴)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۴/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

گستره ولایت ولی بر اموال و انفس مولی علیهم با تکیه بر آیه ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾ از دیدگاه محقق اصفهانی

سید مرتضی پنجتنیان^۱

چکیده

به نص آیه شریفه ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾، خدای متعال نوعی ولایت را برای پیامبر اکرم ﷺ اثبات کرده است که بر اساس اعتقاد شیعه، ائمه (علیهم السلام) نیز از آن برخوردارند. با این حال، تبیین مقصود این آیه و گستره ولایت ایشان محل اختلاف نظر میان فقیهان بوده و احتمالات مختلفی درباره دلالت آن مطرح شده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای، به بررسی گستره ولایت ولی در اموال و نفوس مولی علیهم با تمرکز بر دیدگاه محقق اصفهانی^۱ می‌پردازد. نوآوری پژوهش در تحلیل تطبیقی دو احتمال مطرح شده از سوی ایشان درباره دلالت آیه و بررسی عقلانی و سیره‌ای آن نهفته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ولایت ولی مشروط به تعارض با اراده مولی علیه است و این آیه دلالت بر ولایت مطلقه ندارد، بلکه در موارد تزاحم و ضرورت، اولویت ولی تحقق می‌یابد.

واژگان کلیدی: ولایت، ولی، مولی علیهم، محقق اصفهانی، حاکم.

۱. دانش پژوه سطح چهارم مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام). Panjtanian1393@gmail.com

مقدمه

بحث ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، هم به صورت مستقل و هم غیرمستقل، همواره مورد توجه علما و محققان بوده است. از آنجا که ولایت و امامت از اصول مذهب شیعه محسوب می شود و همواره محل نزاع میان متکلمان شیعه و اهل سنت بوده، متکلمان در آثار خود به طور مفصل به این موضوع پرداخته اند. با این حال، مباحث کلامی بیشتر جنبه اعتقادی داشته و از زاویه ای متفاوت مطرح شده اند. فقها نیز در ضمن مباحث فقهی، به ویژه در بحث ولایت فقیه که مبتنی بر ولایت ائمه علیهم السلام است، به جنبه های فقهی ولایت توجه کرده اند؛ نمونه هایی از این توجه را می توان در آثار شیخ انصاری در کتاب مکاسب، مرحوم نائینی در حاشیه بر مکاسب، مرحوم رشتی در کتاب القضاء، مرحوم آخوند خراسانی در حاشیه بر مکاسب و علامه طباطبایی در المیزان مشاهده کرد. همچنین، از معاصران نیز آقایان محسن ایزدی و ایرج قبادیان در مقاله ای با عنوان «رابطه ولایت تکوینی و تشریعی ائمه علیهم السلام از منظر عقل و دین» به این مسئله پرداخته اند.



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

یکی از مهم ترین زیرمجموعه های بحث ولایت، مسئله میزان نفوذ اوامر پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام در امور فردی مؤمنان است؛ از جمله اینکه آیا ایشان می توانند به جای یک شخص تصمیم بگیرند، همسر او را طلاق دهند یا بدون رضایتش خانه اش را بفروشند؟ این پرسش ها نه تنها در فقه اسلامی اهمیت دارند، بلکه پایه و اساس بحث ولایت فقیه را نیز تشکیل می دهند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیه شریفه «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» چه گستره ای از ولایت را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اثبات می کند؟ آیا این اولویت صرفاً در موارد تراحم اراده ها معنا دارد یا دلالت بر ولایت مطلقه دارد؟

مرحوم محقق اصفهانی رحمته الله از جمله علمایی است که در مباحث فقهی خود به طور مفصل به این آیه پرداخته و دو احتمال را درباره دلالت آن بررسی کرده و در نهایت، احتمال دوم را تقویت نموده است. با توجه به اینکه ایشان در علوم عقلی نیز صاحب نظر بوده، علاوه بر نکات فقهی، به مبانی کلامی و اعتقادی این مسئله نیز پرداخته است. از این رو، بررسی دیدگاه محقق اصفهانی درباره این آیه ضروری به

نظر می‌رسد. نوآوری این مقاله در تحلیل تطبیقی دیدگاه ایشان با سایر فقها و مفسران، و بررسی عقلانی و سیره‌ای دلالت آیه نهفته است. ساختار این نوشتار به این صورت تنظیم شده است: در بخش نخست، مفهوم ولایت از حیث لغوی و اصطلاحی بررسی می‌شود؛ در بخش دوم، احتمالات مختلفی که درباره آیه از سوی علما، به‌ویژه محقق اصفهانی، مطرح شده تحلیل و نقد می‌گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. ولایت در لغت

برای ولایت در کتب لغت، معانی متعددی ذکر شده است:

معنای اول: قرب و نزدیکی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۱۴۱). آیت الله خلخالی نیز ولایت را به این معنا گرفته‌اند و در توضیح فرموده‌اند: «ولایت، به کسر واو و به فتح آن، به معنای استقرار شیء در کنار شیء دیگر است، به گونه‌ای که میان آن‌ها فاصله‌ای نباشد. لذا (جلسْتُ مما يليه) یعنی مجاورت دارد، و (توالى الشيء) یعنی پیوستگی. به همین دلیل، این لفظ در موارد قرب معنوی مانند محبت، نصرت و تصدی امور دیگران به کار می‌رود. این واژه دارای معنای واحدی است که سپس در سایر موارد، با توجه به معنای اصلی، استعمال می‌شود. برای تشخیص موارد، باید قرائن را در نظر گرفت» (خلخالی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۷۲).

معنای دوم: ولایت، به فتح یا کسر واو، به معنای نصرت است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۷۲). البته، برخی فقط ولایت به فتح واو را به معنای نصرت گرفته‌اند، نه ولایت به کسر واو (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۴۵۵).

معنای سوم: «ولاء» و «توالى» به معنای حصول دو چیز یا بیشتر است، بدون وجود فاصله‌ای غیر از چیزی که از جنس خود آن‌ها باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵). برخی ادامه داده‌اند که این مفهوم به صورت استعاره برای قرب مکانی، نسبت خانوادگی، دین، دوستی، نصرت و صداقت به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۸۵).

معنای چهارم: متولی امور بودن (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷). ابن اثیر در



توضیح این معنا بیان کرده است: «ولایت اشعار دارد به تدبیر، قدرت و فعل. اگر هر سه خصوصیت در آن جمع نباشد، به شخص "والی" گفته نمی شود» (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۲۲۷).

معنای پنجم: در برخی دیدگاه‌ها، تلاش شده معنای جامعی برای ولایت ارائه شود، به این صورت که: اصل واحد در این ماده، وقوع یک چیز پس از چیز دیگر است، همراه با رابطه‌ای میان آن‌ها. (پس از) اعم است از جلو یا پشت، همان‌گونه که این دو چیز اعم هستند از اینکه وجوداً متفاوت باشند یا از نظر محل و اعتبار تفاوت داشته باشند. رابطه نیز اعم است از اینکه مثبت یا منفی باشد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۳، ص ۲۲۵).

از مجموع نظرات لغویین، دو نکته به دست می‌آید:

الف) لفظ ولایت به دو شکل در لغت آمده است: با کسر واو (ولایت) که اسم مصدر بوده و به معنای امارت و حکومت است، چنان‌که ابن منظور می‌گوید: «ولایت، با کسر واو، اسم مصدر است، مانند امارت و نقابت، زیرا به چیزی اطلاق می‌شود که فرد، تولیت آن را بر عهده دارد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۰۷).

ب) با فتح واو (ولایت) که مصدر بوده و معانی متعددی دارد، از جمله اقلیم، نسبت، نصرت و معتق، ولی نه سلطه و حکومت. شرتونی بیان کرده است: «ولایت، به فتح واو، مصدر بوده و به مناطق تحت سلطه والی نیز اطلاق می‌شود» (شرتونی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۸۳۳).

ب) اگر ولایت با فتح واو باشد، قطعاً به معنای امارت و سلطه نیست، بلکه یکی از معانی دیگر را دارد و باید با قرینه مشخص شود. اما اگر با کسر واو باشد، به معنای امارت و حکومت است. در مواردی که شک داریم، باید به قرینه رجوع کنیم؛ در صورت نبود قرینه، معنا مجمل خواهد بود.

۱-۲. ولایت در اصطلاح

فقها تعاریف مختلفی برای ولایت بیان کرده‌اند:

مرحوم اصفهانی: درباره چستی ولایت فرموده‌اند: «حقیقت ولایت، تسلط فرد بر امور است؛ یعنی مدیریت و اختیار یک امر در دست فرد باشد. آن شیء، می‌تواند



یک شخص باشد (مانند ولایت پدر بر فرزند)، یا غیرشخص (مانند ولایت بر یک مدرسه یا مسجد). در این موارد، فردی تولیت این اموال را بر عهده می‌گیرد و مسئول اداره آن‌ها می‌شود. این مفهوم در ابواب مختلف فقه جریان دارد، از بحث طهارت و نجاست گرفته تا تجهیز و تدفین میت، که در آن ولایت بر میت مطرح است. حتی در مباحث حدود و دیات نیز مسئله ولایت مطرح می‌شود» (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۷۹).

مرحوم نائینی: «ولایت عبارت است از ریاست بر مردم در امور دین، دنیا، معاش و معاد آن‌ها» (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۳).

مرحوم سید یزدی و مرحوم خوانساری: «ولایت به معنای امارت و سلطنت بر غیر، در مال، نفس یا اموری از مسائل زندگی اوست» (یزدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۳).

مرحوم امام خمینی: «ولایت، سلطنت بر تدبیر امور است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۷۲).



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

جمع‌بندی: با توجه به تعاریف ارائه‌شده، به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف ولایت همان است که مرحوم اصفهانی مطرح کرده‌اند، یعنی: ولایت به معنای در اختیار داشتن زمام امور یک شخص یا یک شیء است.

۲. بررسی مفاد آیه «الَّذِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»

در گستره ولایت ولی قرآن کریم تصریح می‌کند که پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان اولویت دارد، اما پرسش این است که این اولویت دقیقاً در چه اموری و نسبت به چه مسائلی است؟

۲-۱. احتمال نخست

مرحوم بحر العلوم در بلغة الفقیه بیان می‌کند که ولایت دو معنا دارد: ۱. ولایت بالفعل؛ یعنی اگر امام تصرفی کند، تصرفش نافذ است و اگر امری صادر کند، فرمانش مطاع است. در این معنا، کسی تردیدی ندارد. ۲. ولایت مطلقه؛ یعنی امام حق دارد هرگونه که اراده کند، در نفوس و اموال رعیت تصرف نماید، حتی اگر از نظر تاریخی چنین تصرفی رخ نداده باشد.

ایشان معتقدند که آیات و روایات موجود، تنها برای اثبات معنای اول کافی هستند و نمی‌توان با آن‌ها معنای دوم را ثابت کرد (بحر العلوم، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۱۷). وی همچنین تأکید دارد که آیه «الَّذِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ» بر ولایت مطلقه دلالت ندارد؛ چراکه ممکن است منظور از اولویت، تقدم اراده پیامبر در موارد تزاحم باشد، نه اینکه ایشان از ابتدا حق تصرف مطلق داشته باشند. دلیل دیگر بر این مدعا، سیره پیامبر و ائمه علیهم‌السلام است؛ زیرا روش زندگی ایشان همانند سایر مسلمانان بود. برای ازدواج اذن می‌گرفتند و اگر مالی نیاز داشتند، آن را خریداری می‌کردند؛ بنابراین، از آیه بیش از صورت تزاحم چیزی برداشت نمی‌شود.

نتیجه این دیدگاه این است که: اولویت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این معناست که اگر مؤمنان تصمیمی داشته باشند و پیامبر تصمیمی متفاوت اتخاذ کند، اراده پیامبر مقدم است. اما پیامبر ابتدائاً حق ندارد که بدون رضایت فرد، همسر او را طلاق دهد یا اموال او را بفروشد. این حق تنها در شرایط تزاحم مطرح می‌شود؛ یعنی اگر مؤمنان وظیفه خود را انجام ندهند، پیامبر می‌تواند دخالت کند.

۲-۲. احتمال دوم



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

احتمال دوم، تفسیری وسیع‌تر از اولویت پیامبر ارائه می‌دهد. این دیدگاه معتقد است که: پیامبر در تمام شئون فردی، خانوادگی و اقتصادی، همان اختیاراتی را دارد که هر انسان نسبت به اموال و نفوس خود دارد، اما در سطحی بالاتر و قوی‌تر. به بیان دیگر، همان‌طور که فرد حق دارد خانه خود را بفروشد یا همسرش را طلاق دهد، پیامبر نیز چنین حقی دارد، اما با قدرت و اختیار بیشتر؛ به این معنا که در صورت تزاحم، نظر پیامبر مقدم می‌شود.

مرحوم اصفهانی این احتمال را تقویت می‌کند (اصفهانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۸۰) و استدلال می‌کند که: در تعبیر «الَّذِي أُولَىٰ»، واژه «أُولَىٰ» صیغه افعّل تفصیل است که نیازمند مفضول است. در اینجا مفضول، مؤمنان هستند («النبی اولى من المؤمنین»). سپس آیه بیان می‌کند که این اولویت در «انفسهم» (جان و امور مربوط به مؤمنان) است. اگر «مفضول» با «متعلق اولویت» یکسان باشد، آیه نشان می‌دهد که پیامبر همان حقی را دارد که مؤمنان دارند، اما به صورت افزوده و قوی‌تر. بنابراین،

برخلاف دیدگاه نخست، این احتمال معتقد است که اولویت پیامبر تنها در صورت تزامن مطرح نیست، بلکه ایشان به صورت کلی و ابتدایی اولویت دارند. این دیدگاه همچنین تأکید دارد که حقوق مردم محفوظ است و مردم حق دارند درباره اموال و زندگی خود تصمیم بگیرند، اما اگر پیامبر صلاح ببیند، می تواند وارد عمل شود و در این صورت دستور ایشان مقدم است.

۱-۲-۲. محدودیت ولایت در چهارچوب اسباب شرعی

یک پرسش اساسی این است که: آیا ولایت پیامبر و ائمه علیهم السلام مطلق است یا در چهارچوب اسباب شرعی قرار دارد؟ مرحوم اصفهانی معتقد است که ولایت ولی، به ولایت خود شخص ضمیمه می شود. بنابراین، ولایت پیامبر و ائمه ولایت مطلقه ای نیست که اختیارات مردم را نفی کند، بلکه در کنار ولایت خود افراد قرار می گیرد. ایشان بیان می کنند که: نه مردم و نه پیامبر، ولایت بر احکام الهی ندارند؛ یعنی هیچ کس نمی تواند خارج از اسباب شرعی چیزی را تغییر دهد. پیامبر نیز تابع حکم خداوند است و اختیاری فراتر از قوانین الهی ندارد (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۸۱). بنابراین، ولایت پیامبر به معنای انضمام به ولایت افراد است، نه نفی اختیارات آنان.



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۲-۲-۲. بررسی تنافی سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام با ولایت مطلقه

یکی از اشکالات وارد بر احتمال دوم این است که سیره پیامبر و ائمه با ولایت مطلقه سازگار نیست. آنچه در منابع تاریخی مشاهده می شود این است که پیامبر و ائمه مانند سایر مردم رفتار می کردند. اگر مالی نیاز داشتند، آن را می خریدند، نه اینکه بدون رضایت مالک تصرف کنند. اگر می خواستند ازدواج کنند، اجازه ولی را دریافت می کردند. بنابراین، پیامبر و ائمه هرگز بدون اذن صاحب مال یا ولی، اقدامی انجام نداده اند؛ اما این حق را داشته اند که در مواقع ضروری، برای مصلحت جامعه از اختیارات خود استفاده کنند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۸۱).

۳-۲-۲. اشکال به احتمال دوم

یکی از اشکالات وارد بر دیدگاه مرحوم اصفهانی این است که: آیه «الَّذِي أُولَىٰ

بِالْمُؤْمِنِينَ» در سیاقی نازل شده است که پیامبر ﷺ در امور اجتماعی و سیاسی (مانند جنگ احزاب یا ازدواج با زینب) تصمیماتی گرفتند که گاهی با خواسته‌های فردی برخی از مؤمنان (مانند زید بن حارثه) تعارض داشت. این نشان می‌دهد که اولویت پیامبر ﷺ در تمام شئون زندگی نبود، بلکه در مواردی که تصمیم شخصی مؤمن با دستور پیامبر تعارض داشت، مطرح می‌شد. همچنین، آیه ۳۶ سوره احزاب بیان می‌کند: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ...﴾ که تصریح دارد تصمیمات شخصی مؤمنان در برابر دستور خدا و رسول بی‌اعتبار است، اما تنها در امور متعارض، نه در مسائل شخصی غیرمتعارض. از این رو، برخی معتقدند که: اولویت پیامبر در آیه مقید به موارد تراحم است، نه اینکه در تمام شئون زندگی ولایت مطلق داشته باشد.

۲-۳. احتمال سوم

در تفسیر کشاف (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۵۲۳) آمده است که مراد از اولویت پیامبر ﷺ در این آیه، اولویت در دعوت است؛ به این معنا که: هنگامی که پیامبر مؤمنان را به چیزی دعوت کند، اما نفس آنان، آنان را به امر دیگری سوق دهد، واجب است که دعوت پیامبر را اطاعت کنند و از دعوت نفس خود سر باز زنند. در نتیجه، این آیه همان معنا را دارد که آیه ﴿وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (نساء، ۵۹) و آیه ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (نساء، ۶۴) بیان می‌کنند. مرحوم علامه طباطبایی این تفسیر را ضعیف دانسته‌اند، زیرا آیه به‌طور مطلق بیان شده و شامل همه شئون دنیوی و دینی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶).



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۲-۴. احتمال چهارم

در تفسیر دیگری بیان شده است که (حقّی برسوی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۳۸): مراد نافذتر بودن حکم آن جناب نسبت به حکمی است که مؤمنین علیه یکدیگر می‌کنند؛ همچنان‌که در آیه ﴿فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ﴾ (نور، ۶۱) منظور سلام کردن به یکدیگر است. پس به‌گفته این مفسر، برگشت معنای آیه مورد بحث به این است که رسول خدا ﷺ بر مؤمنین ولایت دارد، ولایتی که فوق ولایت آنان نسبت به یکدیگر است، که آیه ﴿وَ

الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ غَضُّهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُ» (توبه، ۷۱) بر آن دلالت دارد. مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید این قول نیز ضعیف است، برای اینکه سیاق با آن مساعد نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶).

با توجه به اشکالاتی که به احتمال دوم، سوم و چهارم وارد شد، به نظر می‌رسد که صحیح‌ترین دیدگاه همان احتمال اول است که مورد تأیید مرحوم بحر العلوم می‌باشد.

۳. نوع ولایت پیامبر ﷺ در آیه «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ»

۳-۱. احتمال اول

خداوند پیامبر را اولی قرار داده و اراده‌اش را نافذ ساخته است، و این یک دریچه از ولایت خداوند محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۳۲۱). همان‌طور که اراده خداوند نافذ است، گاهی خداوند پیامبر را جای خود قرار می‌دهد و می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۱۰). در این آیه خداوند می‌فرماید که اساساً دست پیامبر و دست شما نبوده، بلکه دست خدا بوده است. بنابراین، نباید کسی بگوید که چرا پیامبر آمده و تصرف کرده و مال من را فروخته است؛ زیرا در اینجا پیامبر نیست که تصرف می‌کند، بلکه این کار را از طرف خداوند انجام می‌دهد. طبق این احتمال، پیامبر اولویت دارد، چون مظهر ولایت الهی است.



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۳-۲. احتمال دوم

این احتمال بیان می‌کند که این مسئله اصلاً از شئون خود پیامبر است و خداوند اختیاراتی را به پیامبر اکرم داده است. یعنی نبی، «بما هو نبی»، شئون و احترامات خاصی دارد و مردم موظف‌اند این احترام را حفظ کرده و اولویت پیامبر را رعایت کنند (جوادی آملی، ۱۴۰۰ش، ج ۶۵، ص ۵۱۷). تفاوت این دو احتمال در این است که احتمال اول، ولایت پیامبر را به ولایت خدا بازمی‌گرداند، اما احتمال دوم، ولایت را به نبی، «بما هو نبی»، مرتبط می‌سازد.

۳-۳. احتمال سوم

در این احتمال، ولایت برای نبی، «بما هو حاکم»، در نظر گرفته شده است؛ یعنی

«النَّبِيُّ بَمَا هُوَ حَاكِمٌ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، به این معنا که پیامبر، زمامدار جامعه است. یک حاکم برای اداره جامعه باید مصالح جمعی را رعایت کند؛ ممکن است مصلحت اقتضا کند که خانه‌ای که در مسیر اجرای طرح احداث اتوبان قرار دارد تخریب شود، و این آیه چنین اختیاری را به پیامبر، به‌عنوان حاکم، اعطا می‌کند. اگر ولایت پیامبر، «بما هو حاکم» باشد، در این صورت، به امور اجتماعی و مصالح مهم محدود می‌شود و حاکم نمی‌تواند هر تصرفی را که بخواهد انجام دهد؛ بنابراین دایره ولایت محدود خواهد شد. نتیجه این دیدگاه آن است که به‌راحتی می‌توان این شئون را برای دیگر حاکمان مشروع نیز اثبات کرد، زیرا اقتضائات حکومت چنین امری را ایجاب می‌کند. مرحوم آخوند نیز ولایت پیامبر را «بما هو حاکم» پذیرفته است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۸ق، ص ۹۳).

۳-۴. احتمال چهارم

بعضی از محققین معاصر احتمال دیگری در بحث داده‌اند (سروش محلاتی، ۱۴۰۳ش، ص ۸۴) و فرموده‌اند باید بررسی شود که «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ...» از چه جهت است؟ به نظر می‌رسد شواهد متقنی وجود دارد که اولویت پیامبر ﷺ در این آیه از «ابوت معنوی» نشئت می‌گیرد، نه صرفاً ولایت حکومتی. این دیدگاه با قرائن زیر تقویت می‌شود:



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

الف) قرینه مقابله در آیه

آیه پس از بیان اولویت پیامبر، بلافاصله می‌فرماید: «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»؛ «همسرانش مادران مؤمنین هستند». این تقابل نشان می‌دهد پیامبر ﷺ در جایگاه پدر امت است، همان‌گونه که همسرانش مادران معنوی مؤمنین هستند.

ب) روایات تأییدکننده

۱. تفسیر قمی: «وَذَلِكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أُنْزِلَ اللَّهُ عَلَيْهِ "النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ" وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ فَلَمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ أَبًا لِلْمُؤْمِنِينَ» (علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۲۷۸). «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» یعنی مسئولیت‌های پدرانه مانند پرداخت دین افراد بی‌بضاعت و رسیدگی به میراث بی‌وارث بر عهده پیامبر بوده است. این نشان می‌دهد اولویت پیامبر، ناشی از حقوق پدرانه است.

۲. روایت استدلالی از امام صادق علیه السلام: استدلال به حرمت ازدواج با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله با قیاس به حرمت ازدواج با همسران پدر: «ثُمَّ قَالَ لَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ» یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله در جایگاه پدر است (صفر، ۱۴۰۴، ص ۵۳۲).

۳. تفسیر عیاشی: اشاره به گناه عقوق والدین توسط امت در قتل امام حسین علیه السلام با استناد به آیه، که مؤید رابطه پدر و فرزندی پیامبر و امت است (عیاشی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۳۷).

ج) قرائت خاص ائمه علیهم السلام

در برخی مصاحف و روایات، آیه به این شکل قرائت شده است: «الَّذِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ». این قرائت (منسوب به امام باقر و امام صادق علیه السلام) به صراحت بر ابوت پیامبر تأکید دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۵۳۰).

۱-۴-۳. لوازم و نتایج این دیدگاه

۱. قلمرو گسترده ولایت

اگر جهت اولویت، پدری معنوی باشد، دامنه آن فراتر از حکومت (مثل تصرف در اموال) می رود و شامل مسئولیت های اخلاقی و اجتماعی (مانند رسیدگی به دین و میراث) می شود.



سال سوم | شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۲. تفکیک بین اولویت الزامی و غیرالزامی

برخی اولویت های پدرانه الزامی است (مانند نهی از آسیب به نفس) و برخی غیرالزامی است (مانند توصیه های اخلاقی).

۳. عدم تناقض با ولایت حکومتی

این تفسیر منافاتی با ولایت تشریعی پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد، بلکه مبنای عاطفی و معنوی آن را تقویت می کند.

۲-۴-۳. پاسخ به اشکالات

اشکال: آیا این تفسیر به معنای «تحریف قرآن» است؟ پاسخ: خیر. روایاتی که به قرائت «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ» اشاره می کنند، تفسیر مضمونی آیه هستند، نه ادعای تحریف.

اشکال: آیا پدر بودن پیامبر ﷺ با آیه «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ» تناقض ندارد؟

پاسخ: خیر. آن آیه ناظر به پدری فیزیکی است، در حالی که آیه اولویت، پدری معنوی را بیان می‌کند.

لذا با توجه به قرینه مقابله در آیه، روایات اهل بیت علیهم السلام و قرائت خاص امامان، می‌توان نتیجه گرفت که جهت اولویت پیامبر ﷺ در آیه، ابوت معنوی او نسبت به امت است. این ابوت، هم حقوق ولایی (مانند تصرف در موارد تعارضی) و هم مسئولیت‌های اخلاقی (مانند حمایت از نیازمندان) را در بر می‌گیرد. شایان ذکر است این دیدگاه، مبانی ولایت فقیه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا اگر ولایت پیامبر ﷺ ناشی از جایگاه پدرانه باشد، ولایت فقیه نیز باید در چارچوب مسئولیت‌های خدمتگزارانه تعریف شود.

۳-۴-۳. نقد این دیدگاه

در رابطه با این استدلال شایسته است به چند نکته توجه کنیم:

۱. بررسی قرینه «وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ»: این قرینه به‌عنوان تأیید ابوت معنوی پیامبر ﷺ مطرح شده است، اما همان‌طور که به ذهن می‌رسد اغلب مفسران معتقدند که این عبارت صرفاً برای حرمت ازدواج با همسران پیامبر ﷺ آمده است، نه برای اثبات رابطه پدرانه (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۶۰۳؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۷۷).

۲. نقد روایات تأییدکننده:

الف. روایت تفسیر قمی که می‌گوید «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ»، نشان‌دهنده مسئولیت‌های پیامبر ﷺ در رسیدگی به امور مؤمنان است، اما این مسئولیت‌ها لزوماً به معنای ابوت معنوی نیست، بلکه می‌تواند ناشی از ولایت حکومتی و اجتماعی باشد.

ب. روایت امام صادق علیهما السلام که حرمت ازدواج با همسران پیامبر ﷺ را به حرمت ازدواج با همسران پدر قیاس کرده، می‌تواند صرفاً یک قیاس فقهی باشد، نه دلیلی بر رابطه پدرانه پیامبر ﷺ با امت.

۳. بررسی قرائت خاص «وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ»: این قرائت در برخی روایات آمده است، اما در مصاحف رسمی قرآن ثبت نشده و در میان قرائات مشهور پذیرفته



نشده است. بنابراین، نمی‌توان آن را به‌عنوان دلیل قطعی بر ابوت معنوی پیامبر ﷺ دانست.

نتیجه‌گیری

۱. آنچه از بررسی واژه «ولایت» در منابع لغوی به دست می‌آید، شامل دو نکته است: الف) واژه «ولایت» در زبان عربی به دو صورت به کار رفته است: «ولایت (با کسر واو) که اسم مصدر بوده و به معنای «امارت و حکومت» است.

«ولایت (با فتح واو) که مصدر بوده و مشترک لفظی است، با معانی متعدد مانند بلد، اقلیم، نسب، نصرت، معتق و غیره، اما فاقد مفهوم سلطه و حکومت است. ب) اگر «ولایت» با فتح واو بیاید، قطعاً به معنای امارت و سلطه نیست، بلکه باید با قرینه، معنای آن مشخص شود. اما اگر با کسر واو باشد، معنای امارت و حکومت را می‌دهد. حال، اگر شک کنیم که فتحه است یا کسره، باید به قرینه رجوع کنیم؛ و در صورت نبود قرینه، معنا مجمل خواهد بود.

۲. جامع‌ترین تعریف از اصطلاح «ولایت» در منابع مختلف، همان تعریف مرحوم اصفهانی است: ماهیت ولایت عبارت است از مدیریت و اختیار یک امر در دست فرد.

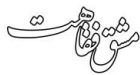
۳. بررسی گستره ولایت در آیه «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» نشان‌دهنده چهار دیدگاه است:

الف) آیه شریفه اولویت پیامبر ﷺ را در صورت تراحم میان اراده پیامبر و اراده شخص مطرح می‌کند.

ب) آیه، اولویت پیامبر ﷺ را به‌صورت مطلق بیان می‌کند؛ یعنی قبل از رسیدن به مرحله تراحم، پیامبر نسبت به اموال و جان‌های مؤمنان اولویت دارد.

ج) منظور از اولویت، اولویت در دعوت است.

د) منظور نافذتر بودن حکم پیامبر نسبت به احکامی است که مؤمنان علیه یکدیگر صادر می‌کنند. با توجه به اشکالات وارده بر احتمالات دوم، سوم و چهارم، احتمال اول موردنظر نگارنده است.



۴. بررسی نوع ولایت مطرح شده در آیه «الَّتِیْ اُولٰٓئِکَ بِالْمُؤْمِنِیْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ»، چهار احتمال را نشان می دهد:

احتمال اول: خداوند پیامبر را اولی قرار داده و اراده اش را نافذ ساخته است؛ این امر تجلی ولایت الهی است.

احتمال دوم: این ولایت از شئون خود پیامبر است و خداوند اختیاراتی را به او اعطا کرده است؛ یعنی نبی، «بما هو نبی»، شئون و احترامات ویژه ای دارد که مردم موظف اند آن ها را رعایت کنند.

احتمال سوم: ولایت پیامبر «بما هو حاکم» باشد، یعنی «النبی بما هو حاکم اولى بالمؤمنین من انفسهم»؛ به این معنا که پیامبر، زمامدار جامعه است و برای اداره جامعه، باید مصالح عمومی را رعایت کند و از اختیارات لازم برخوردار باشد. در این صورت، ولایت محدود به امور اجتماعی و مصالح مهم خواهد شد و حاکم نمی تواند هر تصرفی را که بخواهد انجام دهد؛ بنابراین دایرة ولایت محدود خواهد شد.

احتمال چهارم: اولویت پیامبر از آن جهت است که او پدر امت است و هر پدری نسبت به فرزندان خود اولویت دارد؛ اما این اولویت گاه الزامی و گاه غیرالزامی است. احتمال چهارم تضعیف شده است، بنابراین باید یکی از سه احتمال اول را پذیرفت.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الاثر، چاپ چهارم، قم: مؤسسه چاپ و نشر اسماعیلیان.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، قم: دار الاعلام الاسلامی.
۴. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین (۱۴۱۸ق). حاشیة المکاسب، چاپ اول، قم: انوار الهدی.
۵. اصفهانی، محمدحسین (۱۴۱۸ق). حاشیة المکاسب، چاپ اول، قم: انوار الهدی.
۶. بحر العلوم، محمد بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). بلغة الفقیه، چاپ چهارم، تهران: منشورات مکتبة الصادق.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). صحاح اللغة، چاپ اول، بیروت: دار العلم للملایین.
۸. جواد آملی، عبدالله (۱۴۰۰ش). تفسیر تسنیم، چاپ اول، قم: انتشارات اسراء.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعة، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۱۰. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان، چاپ اول، بیروت: دار الفکر.
۱۱. خلخالی، سید محمد مهدی موسوی (۱۴۲۵ق). الحاکمیه فی الاسلام، چاپ اول، قم: مجمع اندیشه اسلامی.
۱۲. درویش، محی الدین (۱۴۱۵ق). إعراب القرآن الکریم و بیانہ، چاپ اول، سوریه: دارالارشاد.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم.
۱۴. رشتی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۱ق). کتاب القضاء، چاپ اول، قم: دار القرآن.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. سروش محلاتی، محمد (۱۴۰۳ش). نظریه سیاسی حاج شیخ محمدحسین غروی اصفهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات میراث اهل قلم.
۱۷. خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق). جامع المدارک، چاپ دوم، قم: مؤسسه چاپ و نشر اسماعیلیان.



۱۸. شرتوني، سعيد (۱۴۱۶ق). اقرب الموارد، چاپ اول، تهران: انتشارات اسوه.
۱۹. انصاري، مرتضى بن محمد (۱۴۱۵ق). كتاب المكاسب، چاپ اول، قم: كنگره.
۲۰. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات، چاپ دوم، قم: مكتبة آية الله مرعشي نجفي.
۲۱. طباطبائي، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن، چاپ پنجم، قم: جامعه مدرسين.
۲۲. طباطبائي يزدي، سيد محمد كاظم (۱۴۱۴ق). تكملة العروة الوثقى، چاپ اول، قم: مكتبة داوري.
۲۳. طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). مجمع البيان في تفسير القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
۲۴. طريحي، فخرالدين بن محمد (۱۳۷۵ق). مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: انتشارات مرتضوي.
۲۵. عياشي، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ش). تفسير عياشي، چاپ اول، تهران: چاپخانه علميه.
۲۶. فيومي، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). المصباح المنير، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۲۷. قمي، علي بن ابراهيم (۱۳۶۳ش). تفسير علي بن ابراهيم، چاپ سوم، قم: دار الكتاب.
۲۸. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۷ق). الكافي، چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الاسلاميه.
۲۹. مجلسي، محمدباقر بن محمدتقي (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، چاپ دوم، بيروت: دار احياء التراث العربي.
۳۰. مصطفوي، حسن (۱۴۳۰ق). التحقيق في كلمات القرآن، چاپ سوم، بيروت: دار الكتب العلمية.
۳۱. مطرزي، ناصر بن عبدالسيد (۱۹۷۹م). المغرب في ترتيب المعرب، چاپ اول، [بي جا]: مكتبة اسامة بن زيد.
۳۲. موسوي خميني، سيد روح الله (۱۴۱۸ق). الاجتهاد و التقليد، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
۳۳. نائيني، ميرزا محمد حسين (۱۴۱۳ق). المكاسب و البيع، چاپ اول، قم: جامعه مدرسين.
۳۴. نجفي، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الكلام، چاپ هفتم، بيروت: دار احياء التراث العربي.

